

# نسخه ۵۵

ماهنامه فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی - اسفندماه ۱۳۹۰

آب زیند راه را...  
مژده دمیذ بلخ را...





قال الإمام العسکری (عليه السلام):

«أَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشُّبْهَةِ، أَعْبَدُ النَّاسِ مَنْ أَقَامَ عَلَيَّ  
الْفَرَائِضَ أَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْحَرَامَ، أَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَادًا مَنْ تَرَكَ  
الذُّنُوبَ.»

پارساترین مردم کسی است که در هنگام شبیه توقف کند.  
عابدترین مردم کسی است که واجبات را انجام دهد.  
زاهدترین مردم کسی است که حرام را ترک نماید.  
کوشنده ترین مردم کسی است که گناهان را رها سازد.





### گوناگون

۴۲ ▶ شاد باشید تا  
زنده بمانید



۴۴ ▶

خواص بعضی میوه و سبزی ها



۴۶ ▶ دیوار

۴۷ ▶

برای خود خانه می سازیم



### اجتماعی-تربیتی

۲۶ ▶



۵۵ نکته  
ارزشمند  
در تربیت  
کودکان

۲۸ ▶

اخبار مسجد امام  
حسین (علیه السلام)

۳۰ ▶

عید نوروز چگونه  
شکل گرفت



۳۲ ▶

اسرار  
روشهای  
نفوذ  
در دلها

۳۶ ▶

ملی شدن صنعت نفت

۳۹ ▶

جوان و رسالت خانواده



### اعتقادی- فرهنگی

۴ ▶

تسبیح حضرت زهرا (س)  
هدیه آسمانی

۸ ▶

زندگی  
امام حسن  
عسگری (ع)



۱۱ ▶

وفات حضرت  
معصومه (س)



فلسفه قیام مختار

۱۴ ▶



۱۴ ▶ مسافر زندگی

۲۰ ▶

غریو بیداری

زیر نظر هیئت تحریریه  
طراح گرافیک: اعظم رضایی

نسبیم از آثار خوانندگان گرامی استقبال می کند  
صندوق پستی: ۲۳۰۶۴ / دبی  
فاکس: ۳۴۹۷۳۶۷ - ۴  
تلفن: ۳۴۴۲۸۸۶ - ۴  
ایمیل: info@3rdimam.com



# تسبیح حضرت زهرا (س) هدیه آسمانی

اسماعیل محمدی

اعطاء می کرد.»<sup>(۵)</sup> تسبیح حضرت فاطمه (س) که به مناسبت مداومت آن حضرت در انجام آن به وی منسوب گردید، در واقع تسبیح حق تعالی است! حضرت امام خمینی در کتاب اربعین حدیث چنین می نگارد: «...پر واضح است که تسبیح و تقدیس حق تعالی مستلزم علم و معرفت به مقام مقدس حق و صفات جلال و جمال اوست.»<sup>(۶)</sup> تسبیح عبادتی برگزیده است که هر کس در سیر معنوی خویش به قدر طاقت و معرفتش از آن بهره می گیرد و ائمه: قبل از خلقت عالم مادی، به تسبیح ذات اقدس حق مشغول بودند. حضرت امام خمینی؛ در باب اشاره به مقامات ائمه در کتاب اربعین حدیث چنین می نگارد: «برای اهل بیت عصمت و طهارت، علیهم الصلوٰة والسلام، مقامات شامخه روحانیهای است در سیر معنوی الی الله، که ادراک آن علما نیز از اقتبش خارج و فوق عقول ارباب عقول و شهود اصحاب عرفان است؛ چنانچه از احادیث شریفه ظاهر می شود که در مقام روحانیت با رسول اکرم (ص) شرکت دارند و انوار مطهره آنها قبل از خلقت عوالم، مخلوق اشتغال به تسبیح و تحمید ذات مقدس داشتند.»<sup>(۷)</sup> تسبیح از جهتی دیگر عبادتی عمومی بین تمام مخلوقات است، حضرت امام؛ در این باره می فرماید: «آیه شریفه [و یسبح لله ما فی السموات و الارض] دلالت کند بر تسبیح جمیع موجودات حتی نباتات و جمادات و تخصیص آن به ذوی العقول از احتجاب عقول ارباب عقول است.»<sup>(۸)</sup> و باز می فرماید: «بالجمله، سریان حیات و تسبیح شعوری علمی اشیاء را باید از ضروریات فلسفه عالیه و مسلمات

ستارگان درخشانتر از همیشه تاریخ در آسمان مدینه پرتو افشانی می کردند. شمیم عطر محمدی (ص) در کوچه های مدینه پراکنده بود و یاس علوی، آنگاه که به معراج نماز می رفت، نورش برای اهل آسمان می درخشید و بر چهره اهل زمین نور می پراکند. در آن هنگام فاطمه (س) از سختی کارهای خانه در زحمت بود. (۱) امیر مؤمنان (ع) آنگاه که چنین دید به فاطمه توصیه کرد، نزد پدر برود و خدمتکاری درخواست کند تا در امور منزل یار و همکارش باشد. (۲) وقتی پیامبر (ص) از خواسته آنان آگاهی یافت، فرمود: «ای فاطمه چیزی به تو عطا کنم که از خدمتکار و دنیا با آنچه در آن است، ارزشمندتر است؛ بعد از نماز سی و چهار مرتبه «الله اکبر» و سی و سه مرتبه «الحمد لله» و سی و سه مرتبه «سبحان الله» بگو و آن را با لا اله الا الله ختم کن. این کار برایت از چیزی که می خواهی و از دنیا و آنچه در آن است، بهتر است.»<sup>(۳)</sup> در آن لحظه که این هدیه آسمانی به فاطمه (س) عطا شد، فرمود: «از خدا و رسول خدا راضی شدم.»<sup>(۴)</sup> درک هدیه بزرگی که رسول اکرم (ص) به فاطمه (س) اعطاء کرد، بالاتر از طاقت غیر معصوم است، به گونه ای که انسان از وصف آن عاجز می ماند و فقط از سرچشمه گفتار معصومین (ع) است که تا اندازه ای می توان از برکاتش بهره مند شد. امام باقر (ع) درباره تسبیح حضرت فاطمه (س) می فرماید: «خداوند متعال با هیچ ستایشی، بالاتر از تسبیحات فاطمه زهرا (س) عبادت نشده است. و اگر چیزی افضل از آن وجود داشت، رسول خدا (ص) آن را به فاطمه (س)







ارباب شرایع و عرفان محسوب داشت، ولی کیفیت تسبیح هر موجودی و اذکار خاصه‌ای که به هر یک اختصاص دارد، و اینکه صاحب ذکر جامع انسان است و سایر موجودات به مناسبت نشئه خود ذکری دارند.»<sup>(۹)</sup>

### تسبیح حضرت زهرا(س)، به چه معنی است؟ الله اکبر، اولین ذکر تسبیحات حضرت زهرا(س):

در تسبیح فاطمی(س)، انسان با گفتن «الله اکبر» به نهایت عجز خود اعتراف می‌کند و به ناتوانیش به درگاه الهی بارها اقرار می‌کند.

جمیع بن عمیر گوید: در محضر امام صادق(ع) بودم، حضرت از من پرسید: جمله «الله اکبر» یعنی چه؟ گفتم: یعنی خدا از همه چیز بزرگتر است، حضرت فرمود: مطابق این معنی، خدا را چیزی تصور کرده و سپس مقایسه با سایر اشیاء کرده‌ای و او را بزرگتر از آن چیزها تصور نموده‌ای.

عرض کردم: پس معنی الله اکبر چیست؟ حضرت پاسخ داد: معنایش این است که؛ «الله اکبر من ان یوصف؛ خداوند بزرگتر از آن است که توصیف گردد.»<sup>(۱۰)</sup>

### الحمدلله، دومین ذکر تسبیحات حضرت زهرا(س):

پس از آن که انسان به عجز و ناتوانی خویش در شناخت خالق اعتراف کرد، با گفتن الحمدلله که از افضل اذکار تسبیح است، وارد مرحله بعدی می‌شود. حضرت امام خمینی؛ در باب حمد می‌فرماید: «حمد خدا مساوق شکر است؛ چنانچه در روایات کثیره وارد است که، کسی که بگوید: الحمدلله، شکر خدا را ادا کرده؛ چنانچه امام

صادق(ع) فرمود: شکر هر نعمتی، واگر چه بزرگ باشد این است که حمد خدای عز و جل کنی.»

و ... [امام صادق(ع)] فرمود: ... کمال شکر گفتن مرد است، الحمدلله رب العالمین. ... و در حدیثی حماد بن عثمان گفت: بیرون آمد حضرت صادق(ع)، از مسجد و حال آنکه گم شده بود مرکوب آن حضرت. فرمود: «اگر خداوند رد کند آن را به من، هر آینه شکر می‌کنم او را حق شکر او.» گفت درنگی نکرد تا آنکه آن مرکوب آورده شد. پس فرمود: «الحمدلله.» قائلی عرض کرد: «فدایت شوم، آیا شما نگفتید که شکر خدا می‌کنم حق شکر او را؟»

فرمود: «آیا نشنیدید که من گفتم: الحمدلله.»

از این روایت معلوم می‌شود که حمد خداوند افضل افراد شکر لسانی است.<sup>(۱۱)</sup>

### «سبحان الله»؛ سومین ذکر تسبیحات حضرت زهراء(س)

شخصی از حضرت علی(ع) پرسید: معنی سبحان الله چیست؟ حضرت فرمود: «سبحان الله» تعظیم مقام بلند و با عظمت خدا و منزّه دانستن او از آنچه که مشرکان می‌پندارند، است و زمانی که بنده این کلمه را می‌گوید، همه فرشتگان بر او درود می‌فرستند.»<sup>(۱۲)</sup>

بعد از آنکه رسول اکرم(ص) تسبیحات را به کوثرش عطا کرد، حضرت فاطمه(س) ابتدا رشته‌ای از پشم تابیده و با آن به تسبیح پرداخت. تا این که حضرت حمزه بن عبدالمطلب شهید شد، پس حضرت فاطمه از تربت قبر آن بزرگوار خاک برداشت و تسبیح ساخت و با آن تسبیح می‌کرد و مردم نیز چنان کردند و چون سیدالشهدا حسین



# سبحان الله وبحمده الله أكبر الحمد لله والصلاة والسلام على سيدنا محمد والآله الطيبين الطاهرين

برای او نوشته می‌شود. به روایت دیگر، اگر با ذکر تسبیح را بگرداند، به هر دانه چهل حسنه برای او نوشته می‌شود. مروی است که حوربان بهشت وقتی فرشته‌ای را می‌بیند که به زمین می‌آید از او درخواست می‌کنند تا تسبیح و تربت حضرت حسین(ع) را برایشان بیاورد. از حضرت موسی(ع) نقل شده است: پنج چیز همیشه همراه انسان پرهیزکار است؛ مسواک، شانه، سجاده نماز، تسبیح که سی و چهار دانه داشته باشد و انگشتر عقیق. (۱۳)

## فضیلت و آداب تسبیح حضرت زهرا(س)

روایات زیادی در این باب در کتب معتبر وجود دارد و گستردگی روایات و عنایت اکثر ائمه به ذکر سخنی درباره تسبیح از عظمت آن پرده بر می‌دارد. حضرت مهدی -عجل الله تعالی فرجه الشریف- درباره تسبیح فرمود: «ان فضل الدعاء و التسبیح بعد الفرائض علی الدعاء بعقب النوافل، کفضل الفرائض علی النوافل. فضیلت دعا و تسبیح بعد از نمازهای واجب در

بن علی(ع) شهید شد، سنت شد که از تربت آن امام مظلوم تسبیح سازند و با آن ذکر گویند. درباره ثواب تسبیح حضرت زهرا(س) با تربت امام حسین(ع) از حضرت صاحب الامر(عج) روایت شده است که: هر که تسبیح تربت امام حسین(ع) را در دست داشته باشد و ذکر را فراموش کند، ثواب ذکر برای او نوشته می‌شود.

از حضرت صادق(ع) نقل شده است که تسبیح تربت آن حضرت، ذکر می‌گوید، بی‌آنکه آدمی ذکر گوید و فرمود که یک ذکر یا استغفار که با تربت حضرت ابا عبدالله(ع) گفته می‌شود برابر با هفتاد ذکر که با چیز دیگر گفته شود است. و اگر بی ذکر تسبیح را بگرداند به عدد هر دانه، هفت تسبیح



مقایسه با دعا و تسبیح پس از نمازهای مستحبی، مانند فضیلت واجبات بر مستحبات است.»<sup>(۱۴)</sup>

امام صادق(ع) نیز به فضیلت تسبیح بعد از نمازهای واجب چنین اشاره کرد: «من سبح تسبیح فاطمه الزهراء(س) قبل ان یشئ رجلیه من صلاة الفریضه، غفر الله له. هر کس بعد از نماز واجب تسبیح فاطمه زهرا(س) را به جا آورد، قبل از اینکه پای راست را از بالای پای چپ بردارد، جمیع گناهانش آمرزیده می شود.»<sup>(۱۵)</sup>

و در حدیثی دیگر فرمود: «من سبح تسبیح فاطمه(س)، فقد ذکر الله الذکر الكثير. کسی که تسبیح فاطمه زهرا(س) را بگوید، خدا را به ذکر کثیر یاد کرده است.»<sup>(۱۶)</sup>

روزی امام صادق(ع) ابوهارون را مخاطب ساخت و از تعلیم تسبیح حضرت فاطمه به کودکان سخن گفت: «یا ابا هارون، انا نامر صبیاننا بتسبیح فاطمه(س) کما نامرهم بالصلاة، فالزمه، فانه لم یلزمه عبد فشقی. ای ابوهارون، ما تسبیح فاطمه(س) را به فرزندان خود سفارش می کنیم همچنانکه آنها را به نماز توصیه می کنیم. تو نیز بر آن مداومت کن.

زیرا هر بنده‌ای که بر آن مواظبت و مداومت کند، سرانجام نیکو خواهد داشت.»<sup>(۱۷)</sup>

در جای دیگر حضرت از عظمت تسبیحات حضرت زهرا(س) در مقابل نمازهای مستحبی چنین یاد کرد: «تسبیح فاطمه(س) فی کل یوم فی دبر کل صلاة احب الی من صلاة الف رکعة فی کل یوم. تسبیح حضرت فاطمه(س) در هر روز، به دنبال هر نماز، نزد من از هزار رکعت نماز (مستحبی) در هر روز، محبوبتر است.»<sup>(۱۸)</sup>

امام هادی(ع) فرمود: «لنا اهل البیت عند نومنا عشر خصال: الطهارة، ... و تسبیح الله ثلاثا و ثلاثین و تحمیده ثلاثا و ثلاثین، و تکبیره اربعا و ثلاثین... ما اهل بیت به هنگام خواب ده کار را انجام می دهیم: وضو گرفتن، ... و سی و سه مرتبه «سبحان الله» گفتن، و سی و سه مرتبه «الحمد لله» گفتن، و سی و چهار مرتبه «الله اکبر» گفتن و ...»<sup>(۱۹)</sup>

خواص و آثار فراوان دیگری برای گوینده تسبیحات آن حضرت ذکر شده که برخی از آنها بدین قرار است: ناکام و ناامید نشدن،<sup>(۲۰)</sup> دور کردن شیطان<sup>(۲۱)</sup>،

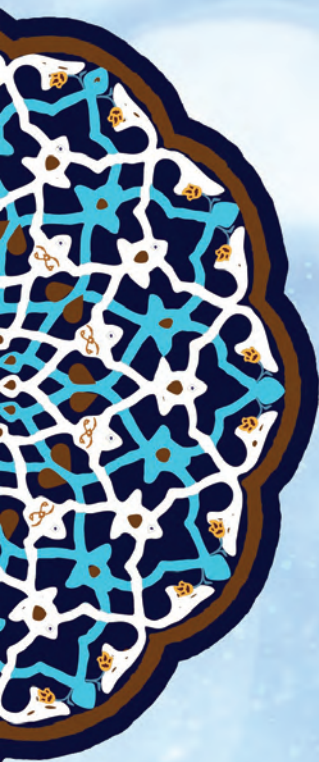
برطرف نمودن سنگینی گوش<sup>(۲۲)</sup>، نجات یافتن از شقاوت و بدبختی<sup>(۲۳)</sup>، باعث سنگینی اعمال، خوشنودی خداوند و رفتن به بهشت می شود.<sup>(۲۴)</sup>

### اوقات و مکانهای تسبیح حضرت فاطمه(س)<sup>(۲۵)</sup>

از اوقات مختلف و مکانهای زیادی برای تسبیح حضرت یاد شده که برخی عبارتند از: بعد از نمازهای واجب و مستحبی، به هنگام خواب، پس از نمازهای استغاثه به حضرت فاطمه(س) و نماز زیارت حضرت رسول(ص) و نماز زیارت حضرت امیرالمؤمنین و نماز حضرت ولیعصر(عج) در مسجد صاحب الزمان جمکران و قبل از زیارت حضرت معصومه(س) در قم به گونه‌ای که سبحان الله قبل از الحمد لله گفته می شود.

پی نوشتها:

- ۱- ر ک: اسرار و آثار تسبیح حضرت زهرا، علیرضا رجالی تهرانی، ص ۹. (حدیث امام صادق(ع))
- ۲- ر ک: همان ص ۱۸.
- ۳- ر ک: تسبیحات حضرت زهرا(س)، عدنان زعفرانی، ص ۹.
- ۴- همان، ص ۲۱.
- ۵- تسبیحات حضرت زهرا، ص ۱۰، به نقل از علل الشرایع/۳۶۶.
- ۶- همان، ص ۱۴. «ما عبدالله بشئ من التحمید افضل من تسبیح فاطمه(س). ولو کان شیء افضل منه لرحله رسول الله(ص) فاطمه(س)».
- ۷- شرح چهل حدیث (اربعین حدیث) امام خمینی، ص ۴۱۷.
- ۸- همان، ص ۵۵۱.
- ۹- همان، ص ۶۵۴.
- ۱۰- همان، ص ۶۵۶.
- ۱۱- اسرار و آثار تسبیح حضرت زهرا(س)، ص ۴۸ به نقل از معانی الاخبار.
- ۱۲- شرح چهل حدیث، امام خمینی، ص ۳۴۹.
- ۱۳- اسرار و آثار تسبیح حضرت زهرا(س)، ص ۵۲ به نقل از معانی الاخبار.
- ۱۴- کلیات مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، کتاب باقیات صالحات.
- ۱۵- از هر معصوم چهل حدیث، محمد علی کوشا، ص ۳۶۴.
- ۱۶- اسرار و آثار تسبیح حضرت زهرا(س) ص ۱۲ به نقل از تهذیب ج ۲، ص ۱۰۵.
- ۱۷- تسبیحات حضرت زهرا(س)، ص ۱۱.
- ۱۸- همان، ص ۱۵.
- ۱۹ و ۲۰- همان، ص ۱۶.
- ۲۱- همان، ص ۲۰.
- ۲۲- همان، ص ۲۳.
- ۲۳- همان، ص ۲۸.
- ۲۴- اسرار و آثار تسبیح حضرت زهرا(س)، ص ۳۹.
- ۲۵- همان، ص ۱۴.





# زندگی امام حسن عسگری (ع)



## زندگینامه حضرت امام حسن عسگری علیه السلام

امام حسن عسگری (ع) در سال ۲۳۲ هجری در مدینه چشم به جهان گشود. مادر او را گهرش سوسن یا سلیل زنی لایق و صاحب فضیلت و در پرورش فرزند نهایت مراقبت را داشت، تا حجت حق را آن چنان که شایسته است پرورش دهد. این زن پرهیزگار در سفری که امام عسگری (ع) به سامرا کرد همراه امام بود و در سامرا از دنیا رحلت کرد. کنیه آن حضرت ابامحمد بود.

## صورت و سیرت امام حسن عسگری (ع)

امام یازدهم صورتی گندمگون و بدنی در حد اعتدال داشت. ابروهای سیاه کمانی، چشمانی درشت و پیشانی گشاده داشت. دندانها درشت و بسیار سفید بود. خالی بر گونه راست داشت. امام حسن عسگری (ع) بیانی شیرین و جذاب و شخصیتی الهی باشکوه و وقار و مفسری بی نظیر برای قرآن مجید بود. راه مستقیم عترت و شیوه صحیح تفسیر قرآن را به مردم و به ویژه برای اصحاب بزرگوارش - در ایام عمر کوتاه خود - روشن کرد.

## دوران امامت

به طور کلی دوران عمر ۲۹ ساله امام حسن عسگری (ع) به سه دوره تقسیم می‌گردد: دوره اول ۱۳ سال است که زندگی آن حضرت در مدینه گذشت. دوره دوم ۱۰ سال در سامرا قبل از امامت.

دوره سوم نزدیک ۶ سال امامت آن حضرت می‌باشد. دوره امامت حضرت عسگری (ع) با قدرت ظاهری بنی عباس رو در روی بود. خلفایی که به تقلید هارون در نشان دادن نیروی خود بلندپروازیهایی داشتند. امام حسن عسگری (ع) از شش سال دوران اقامتش، سه سال را در



زندانبان گذرانید . زندانبان آن حضرت صالح بن وصیف دو غلام ستمکار را بر امام گماشته

بود ، تا بتواند آن حضرت را - به وسیله آن دو غلام - آزار بیشتری دهد ، اما آن دو غلام که خود از نزدیک ناظر حال و حرکات امام بودند تحت تأثیر آن امام بزرگوار قرار گرفته به صلاح و خوش رفتاری گراییده بودند . وقتی از این غلامان جوایب حال امام شدند ، می‌گفتند این زندانی روزها روزه‌دار است و شبها تا بامداد به عبادت و راز و نیاز با معبود خود سرگرم است و با کسی سخن نمی‌گوید .

عبیدالله خاقان وزیر معتمد عباسی با همه غروری که داشت وقتی با حضرت عسکری ملاقات می‌کرد به احترام آن حضرت برمی‌خاست ، و آن حضرت را بر مسند خود می‌نشاند . پیوسته می‌گفت : در سامره کسی را مانند آن حضرت ندیده‌ام ، وی زاهدترین و داناترین مردم روزگار است . پسر عبیدالله خاقان می‌گفت : من پیوسته احوال آن حضرت را از مردم می‌پرسیدم . مردم را نسبت به او متواضع می‌یافتیم . می‌دیدم همه مردم به بزرگواریش معترفند و دوستدار او می‌باشند . با آنکه امام (ع) جز با خواص شیعیان خود آمیزش نمی‌فرمود ، دستگاه خلافت عباسی برای حفظ آرامش خلافت خود بیشتر اوقات ، آن حضرت را زندانی و ممنوع از معاشرت داشت .

حضرت هادی (ع) و حضرت امام حسن عسکری (ع) هم از سوی دستگاه خلافت تحت مراقبت شدید و ممنوع از ملاقات با مردم بودند و هم امامان بزرگوار ما - جز با یاران خاص و کسانی که برای حل مشکلات زندگی مادی و دینی خود به آنها مراجعه می‌نمودند - کمتر معاشرت می‌کردند به جهت آن بود که دوران غیبت حضرت مهدی (ع) نزدیک بود ، و مردم می‌بایست کم‌کم بدان خو گیرند ، و جهت سیاسی و حل مشکلات خود را از اصحاب خاص که پرچمداران مرزهای مذهبی بودند بخواهند ، و پیش آمدن دوران غیبت در نظر آنان عجیب نیاید . باری ، امام حسن

عسکری (ع) بیش از ۲۹ سال عمر نکرد ولی در مدت شش سال امامت ، آثار مهمی از تفسیر قرآن و نشر احکام و بیان مسائل فقهی و جهت دادن به حرکت انقلابی شیعیانی که از راههای دور برای کسب فیض به محضر امام (ع) می‌رسیدند بر جای گذاشت .

### شهادت امام حسن عسکری (ع)

شهادت آن حضرت را روز جمعه هشتم ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ هجری نوشته‌اند . در کیفیت وفات آن امام بزرگوار آمده است :  
فرزند عبیدالله بن خاقان گوید روزی برای پدرم ( که وزیر معتمد عباسی بود ) خبر آوردند که ابن الرضا - یعنی حضرت امام حسن عسکری - رنجور شده ، پدرم به سرعت تمام نزد خلیفه رفت و خبر را به خلیفه داد . خلیفه پنج نفر از معتمدان و مخصوصان خود را با

او همراه کرد . یکی از ایشان نحیر خادم بود که از محرمان خاص خلیفه بود ، امر کرد ایشان را که پیوسته ملازم خانه آن حضرت باشند ، و بر احوال آن حضرت مطلع گردند . و طبیبی را مقرر کرد که هر بامداد و پسین نزد آن حضرت برود ، و از احوال او آگاه شود . بعد از دو روز برای پدرم خبر آوردند که مرض آن حضرت سخت شده است ، و ضعف بر او مستولی گردیده . پس بامداد سوار شد ، نزد آن حضرت رفت و اطبا را - که عموماً اطبای مسیحی و یهودی در آن زمان بودند - امر کرد که از خدمت آن حضرت دور نشوند و قاضی القضاات ( داور داوران ) را طلبید و گفت ده نفر از علمای مشهور را حاضر گردان که پیوسته نزد آن حضرت باشند . و این کارها را برای آن می‌کردند که آن زهری که به آن حضرت داده بودند بر مردم معلوم نشود و نزد مردم ظاهر سازند که آن حضرت به مرگ خود از دنیا رفته ، پیوسته ایشان ملازم خانه آن حضرت بودند تا آنکه بعد از گذشت چند روز از ماه ربیع الاول سال ۲۶۰ ه . ق آن امام مظلوم در سن ۲۹ سالگی از دار فانی به سرای باقی رحلت نمود . بعد از آن خلیفه متوجه تفحص و تجسس فرزند حضرت شد ، زیرا شنیده بود که فرزند آن حضرت بر عالم مستولی خواهد شد ، و اهل باطل را منقرض خواهد کرد ... تا دو سال تفحص احوال او می‌کردند ...

این جستجوها و پژوهشها نتیجه هراسی بود که معتمد عباسی و خلفای قبل و بعد از او - از طریق روایات مورد اعتمادی که به حضرت رسول الله (ص) می‌پیوست ، شنیده بودند که از نرگس خاتون و حضرت امام حسن عسکری فرزندی پاک گهر ملقب به مهدی آخر الزمان - همانام با رسول اکرم (ص) ولادت خواهد یافت و تخت ستمگران را واژگون و به سلطه و سلطنت آنها خاتمه خواهد داد . بدین جهت به بهانه‌های مختلف در خانه حضرت عسکری (ع) رفت و آمد بسیار می‌کردند ، و جستجو می‌نمودند تا از آن فرزند گرمی اثری بیابند و او را نابود سازند



مورخان علت شهادت آن حضرت را سمی می‌دانند که معتمد عباسی در غذا به آن حضرت خورانید و بعد، برای ظاهر سازی و فریب مردم پزشکان مختلفی را مامور عیادت و طبابت آن حضرت نمود.

بعد از آگاه شدن شیعیان از خبر درگذشت جانگداز حضرت امام حسن عسکری (ع) شهر سامره را غبار غم گرفت، و از هر سوی صدای ناله و گریه برخاست. مردم آماده سوگواری و تشییع جنازه آن حضرت شدند.

### ماجرای جان‌نشین بر حق امام عسکری

ابوالادیان می‌گوید: من خدمت حضرت امام حسن عسکری (ع) می‌کردم. نامه‌های آن حضرت را به شهرها می‌بردم. در مرض موت، روزی من را طلب فرمود و چند امه‌ای نوشت به مدائن تا آنها را برسانم. سپس امام فرمود: پس از پانزده روز باز داخل سامره خواهی شد و صدای گریه و شیون از خانه من خواهی شنید، و در آن موقع مشغول غسل دادن من خواهند بود.

ابوالادیان به امام عرض می‌کند: ای سید من، هرگاه این واقعه دردناک روی دهد، امامت با کیست؟ فرمود: هر که جواب نامه من را از تو طلب کند.

ابوالادیان می‌گوید: دوباره پرسیدم علامت دیگری به من بفرما. امام فرمود: هر که بر من نماز گزارد. ابوالادیان می‌گوید: باز هم علامت دیگری بگو تا بدانم. امام می‌گوید: هر که بگوید که در همین چه چیز است او امام شماست.

ابوالادیان می‌گوید: مهابت و شکوه امام باعث شد که نتوانم چیز دیگری بپرسم. رفتم و نامه‌ها را رساندم و پس از پانزده روز برگشتم. وقتی به در خانه امام رسیدم صدای شیون و گریه از خانه امام بلند بود. داخل خانه امام، جعفر کذاب برادر امام حسن عسکری را دیدم که نشسته، و شیعیان به او تسلیم می‌دهند و به امامت او تهنیت می‌گویند. من از این بابت بسیار تعجب کردم پیش رفتم و تعزیت و تهنیت گفتم. اما او جوابی نداد و هیچ سؤالی نکرد.

چون بدن مظهر امام را کفن کرده و آماده نماز گزاردن بود، خادمی آمد و جعفر کذاب را دعوت کرد که بر برادر خود نماز بخواند. چون جعفر به نماز ایستاد، طفلی گندمگون و پیچیده موی، گشاده دندانان مانند پاره ماه بیرون آمد و ردای جعفر را کشید و گفت: ای عمو عقب برو که من به نماز سزاوارترم. رنگ جعفر دگرگون شد. عقب ایستاد. سپس آن طفل پیش آمد و بر پدر نماز گزارد و آن جناب را در پهلوی امام علی النقی علیه السلام دفن کرد. سپس رو به من آورد و فرمود: جواب نامه‌ها را که با تو است تسلیم کن. من جواب نامه را به آن کودک دادم.

در این موقع، عده‌ای از شیعیان از شهر قم رسیدند،

چون از وفات امام (ع) با خبر شدند، مردم به جعفر اشاره کردند. چند تن از آن مردم نزد جعفر رفتند و از او پرسیدند: بگو که نامه‌هایی که داریم از چه جماعتی است و مالها چه مقدار است؟ جعفر گفت: ببینید مردم از من علم غیب می‌خواهند! در آن حال خادمی از جانب حضرت صاحب الامر ظاهر شد و از قول امام گفت: ای مردم قم با شما نامه‌هایی است از فلان و فلان و همیانی (کیسه‌ای) که در آن هزار اشرفی است که در آن ده اشرفی است با روکش طلا.

شیعیانی که از قم آمده بودند گفتند: هر کس تو را فرستاده است امام زمان است این نامه‌ها و همیان را به او تسلیم کن.

جعفر کذاب نزد معتمد خلیفه آمد و جریان واقعه را نقل کرد. معتمد گفت: بروید و در خانه امام حسن عسکری (ع) جستجو کنید و کودک را پیدا کنید. رفتند و از کودک اثری نیافتند. ناچار "صیقل" کنیز حضرت امام عسکری (ع) را گرفتند و مدت‌ها تحت نظر داشتند به تصور اینکه او حامله است. ولی هرچه بیشتر جستند کمتر یافتند. خداوند آن کودک مبارک قدم را حفظ کرد و تا زمان ما نیز در کنف حمایت حق است و به ظاهر از نظرها پنهان می‌باشد. درود خدای بزرگ بر او باد.

